

مدیر کل

جلال الدین الحسینی مؤید الاسلام
صاحب امتیاز روزنامه هفتگی
و یومیه (جبل المتین)

(عنوان مراسلات)

طهران خیابان لاله زار
فاب مدیر میرزا سید حسن کاشانی
دبیر افا شیخ یحیی کاشانی
هیراز روزهای جمعه همه روزه
طبع و توزیع میشود

یومیه

جبل المتین

۱۳۱۱

طهران

قیمت اشتراك سالانه

طهران ۴۰ قران
سایر بلاد داخله ۴۵ قران
روسیه و قفقاز ۱۰ منات
سایر ممالک خارجه ۳۰ فرانک

(قیمت يك نسخه)

در طهران يكصد دینار
سایر بلاد ایران سه شاهی است

قیمت اعلان سطره

دو قران است

روزنامه یومیه ملی آزاد سیاسی اخباری تجاری علمی ادبی مقالات عام المنفعه

با امضا قبول و در انتشار اداره آزاد است

سه شنبه ۲۹ ربیع الثانی ۱۳۲۵ هجری قمری و ۲۲ خرداد ماه جلالی ۸۲۹ و ۱۱ ژوئن ۱۹۰۷ میلادی

اختلال احوال ممالک

(دریا و کوه درره و من خسته وضعیف)

(ای خضر بی خجسته مدد ده بهم)

انسان وقتی قلم دست میگیرد و برای نوشتن مهیا میشود اقتدر افواج خیالات اطراف آدمرا احاطه میکند که متحیر میماند چه بگوید و چه بنویسد هر مطلب را جلو نظر میآورد می بیند خیلی لازم و واجب است که فصلی مشبع در او سخن گوید، اما حواس جمع نشده يك امر مهمتری در مقابل آینه خاطر خود نمائی میکند و لزوم خود را نشان میدهد باز چون باو میردازد و اجترای میکنند و هکذا اقتدر خیالات بر شخص هجوم میکند که در چهار موجه حیرت و در شش در تحیر گرفتار پریشانی میشود

و مکاتب و تلگرافات و اخبار است که متصل مثل سیل بادار وارد گشته هر کدام يك بدبختی تازه را خبر میدهد دست بهر جا میزنی خراب، هر چه چشم میاندازی سراب، هر که بینی مریض، با ناله های طویل و عریض، صفحه مملکت سیاه، افق ملک تیره امور بلاد قرین اختلال خاق باهم گرفتار قراع و جدال عتلاء حیران، ارباب تدبیر سرگردان، کارها در هم شب دیجور مدلهم، پلتيك مملکت نامعلوم، راه چاره مسدود، مردم بوئی برده و حرفی شنیده کور کورانه میدوند و نمیدانند کی بکجا میرسند، سنگینی بار ظلم را کمی احساس نموده اند اما خلاصی از این حمل ثقیل را بلد نیستند هر کس حرفی میزند، هر آدمی خیالی میکند، یکدیگر را سخت تخطئه میکنند و هیچکدام بکنه امر نمیرسند، دزد دهم بازار آشفته میخواهد و کرك

خواب چوبان را مقصد است در پای مملکت موج، کشتی اوضاع طوفانی گردد از حوادث از هر سو بلند آفتاب در پس ابر، هوا گرم، منزل دور، تشنگی غالب، آب نایاب، سنک و سکوه در راه، حرامی در کمین، دست چاره کوتاه، پای امید لنگ، هر چه بیشتر میدویم بیشتر خسته میشویم و هر چه تندتر حرکت میکنیم دورتر میگردیم

مردم دیگر تاب ظلم ندارند، ظلمه هم راضی باسودگی خاق نمیشوند اینست که بر جان یکدیگر میافتند و هر چه آدم بیگناه است پامال میشود ضعیف زیر بار قوی نمیرود قوی بر ضعیف رحم نمیکند — من بدبخت هم در فکر که این اوضاع را بچه تشبیه کنم و صفحه ملک را بچه قایمه نمایم، تماشاخانه های دنیا خیل، بازهای غرب و عجیب بادم نشان میدهند که بعضی موجبات حیرت و باره اسباب عبرت، بعضی خنده و برخی گریه میآورد اما هیچیک را با اوضاع امروزی ما نمیتوان برابر نهاد، چه هنگامه و چه حادثه بنده از آقا اطاعت نمیکند، آقا در حق بنده تفضل و ترحم ندارد، برادر بکین برادر کمر می بندد شور در دور قمر، آفاق مملو از شیون و شر، مادر بدخواه دختر پسر دشمن پدر، کارزار است و دنیا نه بر يك قرار، ملت تصصیر را از دولت میداند دولت اختلال را از ملت تصور میکند، آذر با ایجانی نسبت قصور بطهرانی میدهد طهرانی آذر با ایجانی را عجز و بی صبر میخواند — الله! الله! کار ما بکجا خواهد رسید، آتیه مان بچه متوال خواهد بود؟

(امور یضحك السفهاء منها)

(و یکی من عواقبها اللیب)

دیوانگان میخندند ، عقلاء میگریزند ، مصلحین سنک اصلاح بر سینه میزنند ، مفسدین آتش فساد روشن میکنند مفت خوران خانه نقیب ازدحام میکنند ، فتنه جو بان دور را میگیرند کدایان در خیابان لاله زار جمع میشوند غارت گران اطراف سالارالدوله را میگیرند مستان عربده میکشند ، جوکیسان چرت میزنند ، خانه خرابان ناله میکنند ، رفقاء بنده غصه میخورند ، شبانان دام میکسترانند ماهی گیران آب را گل آلود میکنند ، تماشاگران مات و مبهوت این بازیهای گوناگون میگردند مالیات دولت در محل مانده ، امنیت و آسایش معدوم شده ارباب حقوق ببطالیه حقوق بر آمده بناها در خانه حاجب الدوله متحصن شده پلیسها بصدا آمده عمله احتساب دست از کار کشیده آذر بایجنیها مطالبه قانون اساسی کرده شیرازیهها از ظلم قوام بستوه آمده ، کرمانشاهیان بجان یکدیگر افتاده عثمانیهها بخیل خام فرصت را غنیمت دانسته بحدود ما کو تخطی کرده ، آلمانیها بهوس دخل بانک شرقی را بر پا کرده و بهوای نفوذ در صدد تاسیس مدرسه اقتصاده روس و انگلیس دولت و ملت را بهم انداخته دروغ کویان از تخطی افغانان مردم را در وحشت افکنده خیابان در بدی و کمی نان کوشیده .

حالت مملکت امروزه در بحران عظیمی است نمیدانیم این شب بحران را چگونه بروز خواهد رسانید و آیا این انقلاب درونی و برونی بزودی تسکین خواهد یافت ؟ خصوص در این موقع که یاسان در خواب و مریض در اضطراب و در مثل گویند :

خواب سنگین یاسان بخت بیدار دزد باشد خصوص اگر اور ماهتاب یاوری کند و خطای طیب مریض را مرض ثانوی گردد خصوص در شب بحران
دول و مال عالم چهار چشمه متوجه حرکات و سکنات ماهستند که آیا این حرکت از قبیل حرکت کوسفند مذبوح است که از هول جان خود را بر زمین میزند یا از قبیل شورش های نان و گوشت است که آتش حرکاتشان را مشت آبی خاموش میسازد یا نظیر حرکات ملل بیدار و اقوام هشیار است که بهیچ قوه جساوگیری نتوان نمود

صاحبان جراند اروپا را وضع ایران نیز مدتی است گرفتار فکر و تدبیر و مفرها را دچار زحمت و مشقت نموده است جمعی را عقیده بر آنستکه این امر را دوام و بقا نمی نیست نظیر نقش بر آبست و فرقه را اعتماد بر ثبات و استحکام آن چنانکه از ترجمه ذیل اینمطلب بخوبی واضح میشود

ترجمه از روزنامه روسی (نیوا) منطبقه

پترزبورغ شماره ۴۰

کولستی توسیون ایران

انتقال وضع اداره استبداد بمشروطیت در دولت شیر و خورشید دچار اشکالات عظیمه شده است باز در ممالک چین بواسطه اثرات منقلبانه فتوحات ژاپون و حملات وحشیانه دول فرنگ که ملت را بهوش و خون وطن پرستی را در عروق بجوش آورده اسباب تغییر اوضاع حالیه مهابالت ولی در ایران ملک تجربه هنوز بان سختی بمیان نیامده و ملت ایران کاملاً از کوره ناز مشقت و صدمات شدیدة ناملایمات فوق الطاقه نگذشته است وانگهی دولت چین در ازمنه قديمه ماضیه حتی وضع جمهوریت داشته و چنانکه صحایف تاریخ نشان میدهد دوره حریت مطلقه را نیز این ملت بسر برده و از آثارش آنکه هنوز در مملکت خاقانی انجمن دهقانی مقتدر آ در کار است که تکیه گاه تمام ادارات عالیة دولتی محسوب میشود لیکن اوضاع ایران غیر از این است هزاران سال از عهد کیخسرو و کشتاب بجز ساطنت مستقله ترتیبی دیگر در این سر زمین پیش نیامده و لذت حریت را کسی نچشیده است ساطنت مشروطه ایران امروزه بواسطه قوت اسلام برصه ظهور آمده و اختیارات نا محدود شخص مالک الرقاب در حدود مشروعیته قرار گرفته است از این رو برای حصول واقعیت مشروطیت موانع عظیمه در پیش است

بدوا اهالی طهران و ممدودی از علمای اعلام که واقف بر اسرار بولنیک زمان بودند و طبقات تجار که تایج وخیمه استبداد را برای الدین مشاهده میکردند و ضمناً از طرف قنابل انگلیس پشت گرمی داشتند مشروطیت سلطنت را طالب نمودند زیرا اینها بهتر از سایرین میدانستند که عمر استبداد در جهان با خرمیرسد و نتیجه استبداد همین است که مملکت را و ملت را کدا و با سارت و استقراض برهن ناموس و شرف گرفتار ساخته است ولی باید دانست که اقراض طبیعی دولت استبدادیه دال بر آن نیست که امروزه ملت ایران مستعد اداره مشروطه شده باشد بلکه احتمال کمی می رود که در صورت اخلاقی آراء که ممکن است بواسطه جهالت ملت و مهارت مماندین بهولت تولید شود طبعا تسلط و استیلای خارجه را استسازام حاصل آید بی جهت نیست که قنابل انگلیس در حرکات حریت طلبانه ایرانیان اینطور بذل مساعدت و همراهی مینماید

حال میخواهیم قدری دقیق شده نقطه این انقلابات و اختلالات را بدست بیابیم و یک اشکال سختی را ار خود رفع کرده از خیالات زیاد خود را آسوده کنیم

— (نقطه انقلاب کجاست ؟) —

هر کس این انقلاب را بجائی نسبت میدهد و علت این همه آشوب را در ذهن خود تصویری میکند لکن آنچه بقیده بنده درست میاید آلتکه محرك این جمله حرکات یکدست غیر مرئی یا قوه غیر محسوس است ما مردم شیر پرده هستیم که متصل حمله میکنیم لکن محرك ما همان باد است که بنظر نمیاید اگر بحال خود بمانیم طبعاً ساکت و ساکنیم لکن بد بختانه یا خوش بختانه مارا بحال خود نمیگذارند و دائماً مارا بچرخ میاورند حالا با ما دوستی دارند یا دشمنی دیگر من نمیدانم خودتان فکر کرده پیدا خواهید نمود که نه با ما دوستی ذاتی دارند و نه دشمنی جبلی در خیال خود هستند و بنده و شما را وسیله قرار میدهند دیگر گاهی این حرکات خوب از آب بیرون میاید گاهی بد آن يك امر اتفاقی است —

این همه هیاهو و انقلاب که از اول عهد شاهنشاه مفسور مظفر الدین شاه تاکنون ظاهر شده همه از يك نقطه بر خواسته و هر روز شکلی تازه گرفته است زمانی با اسم تکفیر گاهی با اسم خیانت زمانی بنام مشروطیت — عقلاء عالم را عقیده بر آنستکه بریدن شاخ و برگ فساد نتیجه ندارد باز از درخت شاخهای تازه بر میزند باید فساد را ریشه کن نمود و خود را آسوده ساخت پس خیال خام را باید دور کرد پادشاه مهربان را نباید متهم ساخت ملت را نشاید فتنه جو و آشوب طلب گفت مجلس و مجلسیان را سزاوار نیست نسبت کوتاهی و مسامحه داد علماء را لایق نیست مخالفت مجلس گفت ، در درجای دیگر است و سر رشته بسته بمحل ایدیکر هر وقت نقطه اصلی را بدست آوردید و علت واقعی را پیدا کردید انوقت امید نجات در شما هست ، والا بیوده باین دروآن در تنزید خود را خسته نکنید دین مقدس اسلام بهترین وسیله ترقی است ذکاوت فطری ملت يك نعمت الهی ، موقع خیلی مناسب ، اسباب نادر جمع ، پادشاه مساعد اگر که خدا بگذارد و شیخهای خان راضی بشود و سنگی توی چاه نیفتند موشکی آب ندهد گربه نرقصاند ، یرده تازه بیرون نیورد دوزو کلکی نچیند — حریف براسب عربی سوار و ما بابای مجروح پیاده میترسم از ماجلو بیفتند دیگر تاقیامت اورا نینید من که بیش ازین قدرت کفتن ندارم دیگر بسته است بلطف و مرحمت شما که اگر بکنید و روزنه را پیدا نمائید از ینم بیشتر کفتن نشاید

خلاصه مذاکرات مجلس دار الشوری

روز یکشنبه ۲۷ شهر ربیع الثانی
از طرف وزارت داخله راپورت تلگرافی ازنهاوند

قرائت شده که سوارهای الوار ریختند در ملایر و اطراف خیالی جپاول و غارت نمودند سوارهای امیر انجم بر آنها زور آور شده پراکنده کردند که ناگاه از آنطرف سوارهای اشرار میرسد و از این طرف هم سوارهای احتشام الدوله آنها را تعاقب میکنند مجازله سختی واقع میشود و چند نفر از طرفین کشته ولی اشرار زور آور میشوند و توپ را بالای تپه برده رو بسمت شهر نهانند قریب سی توپ خالی میمانند در حقیقت اگر این طور باشد کار قدری سخت است

رابورت دیگر از فردای آنروز که سوارهای احتشام الدوله و امیر انجم زور آور شدند از آنطرف الوار و اشرار هم مقابلی کرده جنگ رسماً شد سه نفر سوار احتشام الدوله بادو راس اسب هادی گلوله شدند عدد مقتولین آنطرف معلوم نیست سوارهای کلهه هم امروز رسیده شکستی بسوارهای حضرت والا وارد آمد چون شب شد طرفین دست از جنگ کشیده قرار آنرا بقردا دادند فردا صبح روز بیست و هفتم وقتیکه معلوم داشتند همان شبانه حضرت والا با سوار هایش فرار کردند و کسی باقی نماند

عموم مجاسیان و حاضرین از این بزرده خیلی خوشوقت شدند بعد لایحه از نجیب السادات قرائت شد که از قرار مسوع بنده را نزد وکلاء محترم متهم ساخته که برخلاف صلاح مجلس از این جانب اقدامی شده و حال آنکه بنده مجلس خواه و عدالت دوست و خیر خواه ملت و دولت میباشم چون ایام عزاداری حده ام فاطمه زهرا ۱۴ بوده چادر زده که اقامه عزادود بعضی از ارباب قبول در این ضمن چون بنده را بی غرض دانستند اظهار تظلم نمودند که بعرض اولیای دولت و امنای ملت برسانم و آنچه صلاح دانستند بعرض ایشان رسیدگی نمایند

عریضه ارباب تیول هم قرائت شد که ما سالها بواسطه این مواجب و مستمری زندگانی میکردیم و این هم بواسطه خدمات و زحمات آباء و اجدادمان که جان فشانها کرده اند مرحمت شده حال اگر بخواهید بر کردانید تسامی ماها می نماند و موجب سبب شرف از ماها خواهد شد در سایر دول اگر همچو کاری بکنند پیش از وقت بچهار سال اطلاع میدهند تا هر کس فکر کاری برای خود نماید و الحمد لله در این مملکت کار هم که نیست جواب دادند که این حرفها زیاد است اولاً هیچ آباء و اجداد ایشان خدمتی نکردند که سزاوار چنین نعمتی باشند

• ثانیاً کسی مواجب ایهان را قطع نکرده می کم و کسر خواهند گرفت

لذا اگر باشد هر کس حتی داشته باشد از تیول
اخذ کند پس باید همه مردم تیول ببرند بعضی دود بعضی
ترجیح بلا مرجع است

راجا گذشته از دولت بهد از این رعیت زیر بار تیول
نمیروند و قبول نخواهند کرد

خامسا چیزی که از مجلس گذشت و دستخط
همیونی هم صادر شد هر کس خلاف بگوید خلاف قانون
است و مخالف قانون مفسد و مفتن و مستبد است

سادسا بحکم هر بیت مظالم باید ملاحظه و مستمری
در ازای خدمت بملت باشد هر کس که مرجع خدمت
نیست یا قابلیت ندارد یا زیاد از حق خود میبرد باید
از او سلب کرد

مذا کره از نظامنامه ایالتی و فرستادن آن بولایات در
میان آمد اظهار شد که خوبست از طرف مجلس برای
هر ولایت یک نفر از و کلا همراه نظامنامه برود که در
حقیقت هم معلم باشد و هم رفع اختلاف و منازعه از آنجا
نماید و انتخاب و کلا ای انجمن هارا صحیحا مرتب کند
تا بعد ها اسباب زحمت نشود در اینخصوص ارا مختلف بود
بعضی تصدیق بر رفتن و کیل میکردند جمعی رفتن و کیل
را تقویت نمیکردند بلکه همان نحو انتخاب و ترتیب
انجمنها را بعهده حکام و اگذار می نمودند جمعی هم جمع
بین رأین میکردند که هر جا امن و لازم بمعلم نیست
بخودشان و اگذار باشد و هر جا که مشوش و محل اختلاف
است از طرف مجلس کسی برود مد از مذاکرات زیاد
قرار شد که فعلا نظامنامه را بفرستند تا بعد در این باب
قرار داده بشود رفته از طرف وزارت داخله با کاشد آصف
الدوله قرائت شد که آصف الدوله در محاکمه حاضر
ولی میگوید فروش دخترها بکلی بی اصل و دروغ و
بردن اسرا از قوچان هر سه سال قبل واقع شده ولی
به هیچ وجه ربطی بمن ندارد پس از مذاکره قرار شد
که در محکمه عدلیه حاضر و شش نفر از و کلا هم
نظارت در عمل محاکمه داشته باشد

ترجمه تلگرافات خارجه

لرد کرزون برای ساختن مجسمه ژنرال (کابو)
دعوت اعانه کرده . در این دعوت مخصوصا خطاب با
اشخاصی است که در حکومت و اداره داخله هند عضویت
داشته اند : کتابچه اعانه که نوشته شامل ۱۴۲ اسم و
مجموع بمبلغه خواسته ۱۳۷۱ لیره است

ژنرال کابو سرداری است که قدرت انگلیسرا
در هند برقرار کرد و در حقیقت مؤسس حکومت انگلیس
در ان مملکت است

روز ۲۳ ربیع الاخر در بودجه و جمع و خرج

هند بحث خواهند کرد (بانر من) خواهش کرد که آنچه
راجع بقوانین وضع حکومت است یکمفته دیگر در زیر
بحث آورند

عده زیادی سر باز ساختلو در (راند) موجود است
چند نفر مدتی بکار برداخته اند

امپراطور آلمان فرستادگان انگلیس را باز حضور
داده و گفت امید وارم مأموریت شما پیشرفت کرده و
مقاصدتان انجام یابد

پادشاه و ملکه نروژ بصورت رسمی یاریس رفته
میو فالیر بایشان ضیافتی داده و از طرفین اظهار مودت
و دوستی کردند

در بودجه هند بجهت انتقاد انجمن دولتی برای غور
و تقیض دو اسباب و علل شورش هند مخارجی در
بودجه آن معین خواهد شد

سی هزار نفر شورشیان چین در تحت ریاست
انجمن مخفی تشکیل یافته.

مخبر روتر از هنگونگ تلگراف میکنند که ربجیده گان
چینی به سونقام و تونگ شونگ که دوده آباد است
حمله برده سا کتین اینجا به ساوتو گریخته اند علت
شورش را افزایش مالیات نسبت میدهند

بواسطه اصرار انگلیس پاپ بتاسیس مدارس عالیه
برای زنان کاتولیک در اکسفر دو کامبریج راضی شد با
مواظبت زیاد از شاگردان

کشیش لنکولن در انجمنی که بریاست وی از طرف
دعوتگران کلکته اکسفر منعقد بود چنین اظهار داشت
که امید وارم اعضای انجمن اگر بجهت مسامت بتتایج
حسنه مدرس دعوت شوند قبول نکرده و از کلکته بیرون
نروند (لرد هوق سبیل) میگوید انگلیسها حاضرند که
عیسویت را بوضع انگلیس پیش نراند های دیگر جلوه
دهند . و این مطلب باعث افسرده گی است که بعد از
سی سال دعوتگری هنوز یک کشیش بومی در هند نباشد
دار العلم کامبریج به (شولالونگ) پادشاه سیام
رتبه افتخاری خواهد داد

(اعلان)

یک رئیس اسب روسی شش ساله بسیار تند رو
برای درشکه فروخته میشود طالبان رجوع بکنند به
مقارنه رافایل در خانه بازیل خیابان لاله زار رو به روی
خانه وزیر داخله

(اعلان)

شمارهای سابق حبل المتین کمینب شده بود و متصل
از ما مطالبه میکردند لذا باطرافی ولایات مخابره کرده از
هر طرف خواستیم اکنون از شماره اول تا حال حاضر در خود
اداره و کتابخانه شرافت موجود و بقیمت عادله
فروخته میشود

حسن الحسینی الکاشانی